

## همکاری با حکومت جائر از منظر سید بن طاووس و ابن فهد حلی

محمد امین فندرسکی پور<sup>۱</sup>، سعید طاوسی مسرور<sup>۲</sup> و امداد توران<sup>۳</sup>

### چکیده

مدرسه کلامی حله، از کانون‌های علمی شیعی به‌شمار می‌رود که در خلال قرن‌های ششم تا هشتم، علمای بسیاری در آن بالیدند. سید بن طاووس (م ۶۶۵) و ابن فهد حلی (م ۸۴۱)، دو تن از متکلمان در مدرسه حله هستند. حیات آن‌ها در دو برهه زمانی متفاوت بود؛ به‌گونه‌ای که سید بن طاووس در پایان عصر خلافت عباسی و آغاز حکومت ایلخانان مغول می‌زیست که در اندیشه سیاسی شیعه، جائر خوانده می‌شدند؛ اما ابن فهد حلی حدود دو قرن بعد، در دوره‌ای که این حکومت‌های جائر متلاشی شده، حکومت‌های ملوک الطوائفی سربرآورده و شمار شیعیان نسبت به قبل فزونی یافته بود، متولد شد. این اختلاف زمانی سبب شد که این دو اندیشمند شیعی در عین حال که هر دو پیرو جریان فقهی - کلامی در مکتب حله بودند، اندیشه‌های سیاسی متمایزی داشته باشند و نوع خط مشی آنان در برخورد با حاکم جائر متفاوت باشد. در پژوهش حاضر که به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است، با به‌کارگیری منابع کتابخانه‌ای و نقد گزارش‌های موجود در آنها، به بررسی تطبیقی اندیشه سیاسی سید بن طاووس و ابن فهد حلی پرداخته‌ایم.

### کلیدواژه‌ها

اندیشه سیاسی شیعه، سید بن طاووس، ابن فهد حلی، حکومت جائر، اختیارات فقیه.

### پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۳،  
پاییز ۱۳۹۹

۷۳

۱. دانشجوی دکتری تاریخ تشیع اثنی‌عشری دانشگاه ادیان و مذاهب قم (نویسنده مسئول):

mohammadaminfendereskipour@yahoo.com.

۲. استادیار دانشگاه علامه طباطبایی تهران.

۳. استادیار دانشگاه ادیان و مذاهب قم.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۵/۱۵

## مقدمه

در قرن پنجم، شهر حله توسط سیف الدوله، منصور بن صدقه حمدانی بنا گردید. اقدام این امیر شیعه مذهب که علاقه بسیاری به مذهب تشیع داشت، سبب گردید تا شهر حله در همان نخستین سال‌های تاسیس، تبدیل به شهری فرهنگی و مرکزی برای شیعیان گردد (حموی، ۲ / ۳۲۷ - ۳۲۸). این شهر به مرور، کانون علمی تشیع شد و مدرسه شیعی حله با حضور علمای شیعه این ناحیه و دیگر نواحی جهان اسلام که به حله مهاجرت می‌کردند، رشد کرد. به عبارت دیگر، می‌توان مدرسه حله را آغازگر دوره تجدید حیات فقهی دانست (گرگی، ۲۲۷ و ۲۲۹).

## پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۳،  
پاییز ۱۳۹۹

۷۴

دیدگاه‌ها و اندیشه‌های بزرگان مدرسه کلامی حله که در واقع ادامه‌دهنده میراث مدرسه کلامی بغداد، مدرسه کلامی قم و مدرسه کلامی ری بوده‌است، تحت تأثیر مدارس یاد شده، تفاوت‌های روشی آشکاری با یکدیگر دارند. سید بن طاووس و ابن فهد حلّی، دو تن از علمای برجسته و اندیشمندان کلامی مکتب حله هستند که علاوه بر کلام در علوم دیگر اسلامی از جمله احکام فقه و آراء کلامی آن‌ها تفاوت‌هایی وجود دارد که در پژوهش حاضر، به طور شاخص به بیان تفاوت در دیدگاه‌های کلامی آن‌ها در خصوص همکاری با حاکم و مسائل مربوط به آن پرداخته شده‌است. موضوع همکاری با حاکم، پیشینه‌ای کهن نزد شیعیان دارد؛ به نحوی که در عصر حیات ائمه معصومین علیهم‌السلام نیز مطرح بوده و در موارد مختلف شیعیان در این خصوص از امامان هم عصر خود سؤال می‌پرسیده‌اند. در برخی موارد نیز چنین پیش می‌آمد که امامان معصومین علیهم‌السلام، خود برای نفوذ در دستگاه خلافت، افراد معتمد و باتقوایی را از میان شیعیان خود انتخاب کرده و در ربار مأمور می‌نمودند. علی بن یقطین نمونه‌ای از آن‌هاست که به‌عنوان یکی از کارگزاران دولت عباسی به فعالیت مشغول بود و در پشت پرده به امام موسی بن جعفر علیه‌السلام و شیعیان ایشان خدمت می‌کرد (عبیری، ۲۸). در دوران غیبت نیز این مسئله هم‌چنان ادامه یافت؛ به‌گونه‌ای که علمای شیعه هر یک به اقتضای شرایط سیاسی و اجتماعی زمان خود به این سؤال پاسخ داده‌اند. در این میان دو اندیشمند یاد شده نیز هم‌چون

سایر علمای شیعه، این گفتمان را بازتولید کرده و با در نظر گرفتن شرایط زمانه، آن را شرح و بسط داده و شرایطی را برای چگونگی یا عدم چگونگی همکاری با حاکم در نظر گرفته‌اند.

در خصوص موضوع مطرح شده، تاکنون پژوهش‌هایی انجام شده است که به طور کلی به بحث ولایت فقیه، حکومت اسلامی و همچنین روابط میان فقها و حاکمان پرداخته‌اند. یکی از این پژوهش‌ها، کتاب ولایت فقیه در اندیشه فقیهان، نوشته یعقوب علی برجی است. وی در این پژوهش، به بررسی دیدگاه‌های فقهای شیعه در خصوص ولایت فقیه و اختیارات وی پرداخته است. اثر دیگری که در این موضوع می‌توان بدان اشاره کرد، کتاب دو جلدی حکومت اسلامی از منظر اندیشمندان شیعه است که نعمت الله صفری فروشانی و محمد کاظم رحمان ستایش، آن را نگاشته و در آن موضوع نظریه‌های حکومت اسلامی در اندیشه فقهای شیعه را مورد بررسی قرار داده‌اند. نکته قابل ذکر در مورد پیشینه تحقیق این است که این پژوهش‌ها عمدتاً موضوع را به طور کلی بررسی کرده‌اند و حتی در پژوهش‌های خارجی نیز این موضوع بدین شکل مورد توجه قرار نگرفته است؛ در صورتی که بحث ما در پژوهش حاضر به طور جزئی و دقیق، اندیشه دو تن از فقهای شیعه که هر دو برخاسته از مکتب کلامی حله هستند را مورد مطالعه قرار می‌دهد و وجود اختلاف زمانی در دوره حیات این دو فقیه و شرایط سیاسی متفاوت در عصری که آن‌ها در آن می‌زیسته‌اند، سبب شده که در دیدگاه‌های آنان تفاوت‌هایی آشکار پدید بیاید و خط مشی آن دو را در خصوص همکاری با حاکم جائر تغییر دهد. مجموع این مسائل انگیزه نگارندگان در انجام این پژوهش است. همچنین به جهت اینکه دو متکلم یاد شده در دو دوره آغازین و دوره متأخر از مکتب حله می‌زیسته‌اند، اندیشه‌های این دو در خصوص همکاری با حکومت به طور تطبیقی مورد مطالعه قرار گرفته است.

## پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۳،

پاییز ۱۳۹۹

## روند شکل‌گیری مدرسه کلامی حله

شناخت و بررسی مکاتب کلامی، از مهمترین مباحثی است که با فهم آن می‌توان هر چه بیشتر با مبانی و آراء مختلف کلامی آشنا شد. در دو مدرسه نخستین مدینه و کوفه، همه باورها و بن‌مایه‌های اعتقادی شیعه تکوین، تبیین و تدوین یافت؛ سپس مدرسه قم و بغداد، میراث پیشین را با دو رویکرد متفاوت مدون کرده و انتقال داد. بعد از افول مدرسه قم و بغداد، یکی از مدارس سترگ شیعه که از لحاظ جامعیت، تنوع و نوآوری، از مدارس سرآمد امامیه شد، مدرسه حله بود. مدرسه‌ای که علاوه بر ایجاد تحول در دیگر علوم و فنون اسلامی، خاستگاه تحولات بسیاری با رویکردهای متفاوت در اندیشه کلامی شیعه گردید. بنابراین لازم است در ابتدا مدارس کلامی بغداد، قم و ری و اندیشه‌ها و روش کلی علمای کلامی آن‌ها را مورد بررسی قرار دهیم و سپس با چگونگی انتقال این اندیشه‌ها به مدرسه کلامی حله و تأثیر آن بر اندیشه‌های سید بن طاووس و ابن فهد حلّی آشنا شویم.

درواقع در تاریخ علم کلام و مکاتب کلامی موجود، دو جریان کلامی وجود دارد که در شیوه کلامی تفاوت‌های روشی داشته‌اند. یک جریان که به آن عنوان «جریان کلامی» داده‌اند و جریان دیگر، «جریان حدیثی-کلامی» نام‌گرفته‌است. این دو جریان، از جریان‌های اصلی هستند. عموماً جریان غالب در بغداد، «جریان کلامی» بود و مشخصه اصلی اندیشمندان این جریان، این است که به دنبال بازخوانی و تبیین عقلانی معارفی هستند که از مدرسه اهل بیت علیهم‌السلام به آن‌ها رسیده بود. تلاش اندیشمندان، در جریان کلامی مذکور بر پایه دفاع از معارف اهل بیت علیهم‌السلام در برابر جریان‌های فکری رقیب و خارجی توسط ادبیاتی جدید بوده‌است؛ اما در مکتب کلامی قم، رویکرد اندیشمندان غالباً این‌گونه بود که تلاش داشتند در چارچوب شیوه مرسوم علمای سلف خویش، به فهم و درک درست از معارف دست‌یافته و آن را بدون نظریه‌پردازی و خروج از چارچوب نص، به جامعه مومنان عرضه‌دارند (طالقانی، ۱۰ و ۷۱). از این رو، بیشتر آثار تولید شده در مدرسه کلامی قم، در قالب آثار حدیثی، به ارائه نظام و تبیین مفاهیم متن پرداخته‌است. محدث متکلمان متن‌اندیش در قم، در عین حال که توجه ویژه به نص داشتند و

همواره بر آن تاکید کرده و از چارچوب آن خارج نمی شدند، تلاش داشتند که در آثار خود، همزمان با تبیین احادیث و دفاع از معارف شیعه، به تبویب و مرتب کردن آن‌ها بپردازند. این امر، نشان از نظام فکری در میان اندیشمندان این جریان است. بزرگانی چون شیخ کلینی و شیخ صدوق از برجسته‌ترین افراد شناخته شده در جریان حدیثی - کلامی هستند (طالقانی، ۶۷۲-۶۷۳). در مدرسه کلامی بغداد که جریان کلامی در آن رایج بود، با تاثیرگیری از معتزله، تکیه اصلی متکلمان بر استدلال‌های عقلی و نقل متواتر در مسائل کلامی بود. سرشناس‌ترین متکلم و متفکر در این مدرسه کلامی، شیخ طوسی است که بعد از تسلط سلاجقه و حضور طغرل بیک سلجوقی در بغداد، میراث این مکتب و اندیشه‌های شیخ طوسی به مدرسه کلامی ری منتقل شده و در آنجا ادامه یافت (موسوی، ۳۰).

ری، کانونی علمی بود که میراث مدارس کلامی قم و بغداد، به آنجا انتقال یافته بود. اندیشمندان در این مدرسه کلامی، دارای دو طیف «جریان کلامی» و «جریان حدیثی - کلامی» بودند. اگرچه درون مایه اصلی تفکر رایج در مدرسه ری، همان تفکر کلامی بغداد است که با مهاجرت علمای بغداد به ری منتقل شده بود؛ اما به علت نزدیک بودن ری به قم و تاثیرپذیری از اندیشه‌های محدثین بزرگی چون شیخ کلینی و شیخ صدوق، رویکرد حدیثی هم تاحدودی در ری وجود داشت. از چهره‌های سرشناس جریان کلامی در ری می‌توان به قطب‌الدین راوندی، شاذان بن جبرائیل قمی و منتجب‌الدین رازی اشاره کرد. در اواخر دوره رونق مدرسه کلامی ری، به دلیل حضور برخی معتزلیان در ری، روابطی گسترده میان اندیشمندان کلامی امامیه با معتزلیان به وجود آمد. این مطلب سبب شد برخی روش‌های معتزله در تبیین معارف، به اندیشه‌های کلام امامیه ورود پیدا کند و جریان کلامی در ری پرنگ‌تر شود (موسوی، ۵۰).

### سید بن طاووس

ابوالقاسم علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن طاووس ملقب به رضی‌الدین و

### پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۳،

پاییز ۱۳۹۹

مشهور به سید بن طاووس (قمی، ۳۴۱/۱)، در سال ۵۸۹ در شهر حله از سرزمین عراق ولادت یافت (کمونہ حسینی، ۱۰۷-۱۰۸). تحصیلات خود را در حله آغاز نمود و پس از چندی از حله به کاظمین و پس از آن نیز به بغداد هجرت کرد و به ادامه تحصیل پرداخت (عبدالحمید، ۱: ۶۳۹). طبق گزارش روضات الجنات، مدت اقامت او در بغداد پانزده سال بوده که پس از گذشت این مدت، ابن طاووس مجدداً به حله بازگشت (خوانساری، ۳۳۸/۴). همچنین طبق گزارش‌های تاریخی، وی ایامی را در نجف و کربلا نیز سپری کرد تا این که در سال ۶۶۴ در بغداد درگذشت (خوانساری، ۳۳۸/۴) و در جوار حرم حضرت علی علیه السلام مدفون گردید (حر عاملی، ۲/ ۲۰۶). وی به عرفان و زهد مشهور است؛ تا جایی که گفته می‌شود او به درجه تمکّن در توحید<sup>۱</sup> رسیده است. علاوه بر ابن طاووس، دو تن دیگر از عرفا را واصل به این مقام دانسته‌اند که ابن فهد حلی و سید مهدی بحر العلوم هستند (مصباح یزدی، ۴۲). وجه اشتراک ابن طاووس و ابن فهد، تنها در عرفان، زهد و تقوا نبود؛ بلکه این دو عالم بزرگ، هر دو برخاسته از مکتب کلامی حله بودند و دیدگاه‌های کلامی خاصی دارند که در این تحقیق بدان پرداخته می‌شود.

ابن طاووس که دیگر فقیهان را فرورفته در عقلانیت و اجتهاد می‌دید، شیوه‌ای ناسازگار با این روش را برگزید. وی تنها به نقل و اقتباس متن نصوص بسنده کرد. نگارش‌های او که بیش از چهل مورد است، نشان دهنده گرایش شدید او به نقل است و بیش‌تر بر نگارش و جمع‌آوری روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان به گونه موضوعی، همت گمارده است. شاید بتوان تفسیر روشنی از سبب دوری‌گزیدن ابن طاووس از فتوا برخلاف فقیه بودن او به دست داد. علت اصلی این تفکر از سوی سید بن طاووس، آن‌چنان که خود در کتاب غیاث سلطان الوری لسکان الثری بیان نموده، این است که سبب کناره‌گیری‌اش از

## پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۳،

پاییز ۱۳۹۹

۷۸

۱. تمکّن در توحید که یکی از اصطلاحات عارفان است، یعنی سالک به سوی خدا به توحید، که بالاترین سیر و کمال انسان است، برسد و حالات او در توحید خدای سبحان همیشگی، پیوسته و دائمی باشد. این استقرار و ثبوت در توحید را تمکّن در توحید حضرت حق گویند.

صدر فتوا، اختلاف در روایت‌ها میان اصحاب امامیه است<sup>۱</sup> (مجلسی، ۱۰۷/۳۷).

یکی از آثار مهم سید بن طاووس، کتاب کشف المحجّة لثمرّة المهجّة است که در واقع این کتاب، وصیت‌نامه ابن طاووس به فرزندش می‌باشد. وی در این اثر، قبل از پرداختن به توصیه‌های اخلاقی و تربیتی، در مورد دیدگاه‌های فکری خود سخن می‌گوید. چیزی که در این جا مهم به نظر می‌رسد و موضوع تحقیق حاضر است، رویکرد حدیثی - کلامی سید بن طاووس است که در کتاب یاد شده بدان اشاره شده (سید بن طاووس، کشف المحجّة لثمرّة المهجّة، ۵۹). در واقع او معتقد است که معتزله به دلیل تأکید بسیار بر الفاظ حادثه و توسل به «طریقه بعیده از یقین»، شبهاتی در اذهان ایجاد می‌کنند که ممکن است سبب گمراهی افراد شود (سید بن طاووس، فرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم، ۵۱ و ۶۸). همچنین او علم کلام را نیز، علمی تلقی می‌کند که روش آن طولانی و دارای راه‌های پرخطر است که در مجموع نمی‌توان از آن به سلامت خارج شد (همو، ۵۵). این طرز تفکر در علم کلام، در اندیشه سیاسی او نیز تأثیر بسیار گذاشته است که بعداً اشاره خواهد شد. می‌بینیم که سید بن طاووس که در زهد و تقوا نیز شهره بوده، با تکیه بر نص‌گرایی و عقیده به غاصبانه بودن حکومت در زمان غیبت کبری، به شدت از حکومت و مناصب حکومتی گریزان بوده و خود را در مهلکه نمی‌انداخته است (سید بن طاووس، کشف المحجّة لثمرّة المهجّة، ۵۱ و ۶۸).

### ابن فهد حلی

حدود دو قرن پس از سید بن طاووس، جمال‌الدین احمد بن شمس‌الدین محمد بن فهد حلی منسوب به شهر حله از سرزمین عراق، در سال ۷۵۷، متولد گردید و مدتی را نیز

۱. از سخنان ابن طاووس و کتاب‌های وی بر می‌آید: او مردی است بسیار با تقوا، حتی از کسانی که با ایشان اختلاف رأی دارد، نام نمی‌برد، که مباد غیبت آنان بشود. در مواردی هم که ذکر می‌کند، برای ایشان توجیه‌هایی را درست می‌کند. ر. ک: سید بن طاووس، فرج المهموم فی تاریخ علم النجوم، ص ۲۱۸.

در شهر کربلا زیست (خوانساری، ۷۱/۱-۷۲). از اساتید ابن فهد حلی می‌توان به شاگردان فخرالمحققین و شهید اول، اشاره کرد که نزد آنان فقه و حدیث را آموخته‌است (حر عاملی، ۲۱/۲).

از میان این اساتید، می‌توان به علی بن خازن حائری، علی بن یوسف بن عبدالجلیل نیلی، ابن مُتَّوِّج بَحرانی، مقداد بن عبدالله حلی، جمال‌الدین بن اعرج عمیدی و علی بن عبدالحمید نسابه حسینی اشاره کرد (خوانساری، ۷۱/۱-۷۲؛ ابن فهد حلی، المذهب البارع فی شرح المختصر النافع، ۱۹۴/۱؛ شوشتری، ۵۷۹/۱؛ ابن ابی جمهور، ۸/۱). در زمان ولادت ابن فهد، دیگر خبری از حکومت ایلخانی (۶۵۴-۷۳۶) نبود و حکومت‌های ملوک‌الطوایفی، یکی پس از دیگری در نقاط مختلف جهان اسلام به حکومت می‌رسیدند. ابن فهد حلی، در زمان حکومت جلایریان در حله می‌زیسته است. جلایریان از سال ۷۴۰ تا سال ۸۱۳ بر حله حکومت می‌کردند. در این زمان به دلیل درگیری‌های مکرر، جلایریان با تیموریان از ۷۹۵ تا دهه نخست قرن نهم و سپس تداوم این درگیری‌ها تا ۸۵۰ میان جلایریان و قره قویونلوها، این شهر سخت ناامن شد (حلی، ۱۰۰-۱۰۸). این ناامنی‌ها، در رکود حوزه حله مؤثر افتاد؛ چنان‌که فقیه و متکلم حوزه حله، فاضل مقداد سیوری حلی، شاگرد شهید اول و فخرالمحققین و استاد ابن فهد حلی، به همراه بسیاری از علمای بزرگ حله، این شهر را به قصد نجف ترک کرد و در ۸۲۶، در این شهر درگذشت (افندی، تعلیقه امل‌الآمل، ۱۵/۲۱۶؛ سبحانی، ۲۸۴/۹-۲۸۶). با این همه و طی این حادثه‌ها، فعالیت حوزه حله متوقف نشد. چنان‌که مدرسه علمی موسوم به زعیه در حله دایر بود و جمال‌الدین احمد بن شمس‌الدین محمد، مشهور به ابن فهد حلی، در این مدرسه به تدریس اشتغال داشت (خوانساری، ۷۲/۱).

ابن فهد، از اکابر فقها و علمای امامیه در قرن هشتم و نهم بوده و جامع کمالات ظاهری و باطنی، علم و عمل و نیز دربردارنده معارف عقلی و نقلی است. بهترین معرف مقامات باطنی او، آثار و تألیفات باقی مانده از اوست که حکایت از مقامات باطنی و معنوی او می‌نماید. محدث نوری، ابن فهد را چنین می‌ستاید: «صاحب مقامات عالی در میدان

## پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۳،

پاییز ۱۳۹۹



علم و عمل و دارنده خصال روحی و باطنی ای که در کمتر انسانی یافت می شود...» (نوری، ۴۳۴/۳). روحیه ابن فهد و توجه او به تصوف و داشتن شاگردانی نظیر سید محمد نوبخش، سبب شده که برخی گرایش های صوفیانه ابن فهد را مذمت کنند؛ هر چند علامه مجلسی، ابن فهد حلی، سید بن طاووس و شیخ زین الدین را از جمله صوفیان دارای کرامات و مقامات برشمرده و آنان را از صوفیان گمراه تمیز دهد (جعفریان، ۱۲۲-۱۲۳). ابن فهد حلی، آثار علمی بسیاری از خود به جای گذاشته است که ۴۲ کتاب و رساله از ایشان را نام برده اند. برخی از آثار وی بدین قرار است:

الادعية و الختوم، استخراج الحوادث، اسرار الصلاة، بغية الراغبين، تاريخ الائمة، التحصين في صفات العارفين، الدر الفريد في التوحيد، الدر النضيد، رساله ای به اهل جزایر، رساله ای در فضیلت نماز جماعت، رساله ای مختصر در واجبات حج، شرح ارشاد علامه حلی، شرح الفیة و نفلیة شهید اول، مصباح المبتدی و هداية المقتدی، المقتصر من شرح المختصر، مهذب البارع و نبذة الباغي (خلاصه عدّة الداعی).

اجازه نامه ای مشهور از فرزند شهید اول، برای او موجود است که نشان از جایگاه والا و علم ابن فهد حلی در جبل عامل دارد. وی در سال ۸۲۶ در سفری که به ناحیه جبل عامل داشت، در روستای جزین این اجازه را از محمد فرزند شهید اول دریافت کرد (افندی، تعلیقة امل الآمل، ۹۴-۹۵). متن این اجازه نامه بدین قرار است: «احمد بن محمد بن فهد، از رجال متاخر عصر ما و یکی از مدرسین زینبیه در حله سیفیه و یکی از رجال علم، خیر، صلاح، بذل و بخشش و جود می باشد. او از من کسب اجازه نمود، پس به او در مورد تالیفات و روایات خویش اجازه دادم. او تعدادی مصنفات و تالیفات دارد که از آن میان، عدّة الداعی و نجاح الساعی است که دارای فوائد متعددی است و کتاب کفایة المحتاج الی معرفة مسائل الحاج و کتاب الهدایة فی فقه الصلوة و کتاب التحصين فی صفات العارفين و جز این ها تالیفات دیگری نیز دارد...» (خوانساری، ۷۲-۷۳).

## پژوهش نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۳،

پاییز ۱۳۹۹

## طرح موضوع همکاری با حکومت جائز

همکاری با سلطان جائز یا عادل، موضوعی است که در اندیشه سیاسی فقها و اندیشمندان شیعی دارای اهمیت بسیار بوده است. پس از رحلت رسول اکرم ﷺ، از آنجا که شیعیان معتقد به حق حاکمیت و جانشینی برای حضرت علی علیه السلام و فرزندان معصوم ایشان بوده‌اند و علی‌رغم این دیدگاه، اتفاقات جامعه اسلامی به نحوی رقم خورد که این معصومان از حکومت دورمانده و حق ایشان ضایع گشت، فقهای شیعه در عصر غیبت کبری این موضوع را بسیار مورد توجه قرار داده و به انحاء گوناگون در مورد آن اظهار نظر کرده‌اند.

### پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۳،

پاییز ۱۳۹۹

۸۲

در دوره حکومت بنی‌امیه، عملاً فرصتی برای شیعیان فراهم نشد که حکومت تشکیل دهند؛ اما در عصر خلافت عباسی، گروه‌هایی از شیعیان توانستند به حکومت برسند یا برخی از شیعیان به منصب وزارت دست یابند. در این زمان فرصتی پیش آمد که شیعیان بتوانند در راس امور مسلمین قرار گرفته. با وجود اینکه در عصر غیبت کبری قرار داشتند، علمای شیعه در خصوص اینکه آیا می‌توان در زمان غیبت که امام معصوم علیه السلام در رأس حکومت قرار ندارد، بدون اجازه امام با حکومت همکاری کرد یا خیر؟ تعاریف و پاسخ‌های گوناگونی ارائه می‌دادند.

از نیمه دوم قرن چهارم و همزمان با شروع غیبت کبری که زمینه تشکیل حکومت فراگیر توسط امام معصوم برای شیعیان موجود نبود و شیعیان به لحاظ کمی در اقلیت به سر می‌بردند، فقهای شیعه در زمینه اینکه شیعیان چگونه باید با حاکمان خود در تعامل باشند، در مباحث نظری با تکیه بر روایات معصومین علیهم السلام، به بیان دیدگاه‌های خود می‌پرداختند. همچنین در بعد عملی نیز با حفظ اصول سیاسی - کلامی شیعه در مسأله حکومت اسلامی، بعضاً از قبول پست‌های حکومتی خودداری نمی‌کردند.

در دوره حکومت عباسی، که تسامح و تساهل بیشتری با اندیشه‌ها و فرق مختلف وجود داشت، علمای اهل سنت نیز با ذهن آسوده‌تری در اندیشه ارتباط با خلفای اسلامی یا سلاطین بودند. این ارتباط به اندازه‌ای تقویت شد که این علمای اهل سنت، دست به

نگارش آثاری با مضمون اندرزنامه زدند و در آن نصیحت و راهنمایی خلیفه و حکمران می‌پرداختند. از جمله این آثار می‌توان به کتاب «نصیحة الملوک» تألیف غزالی و همچنین «سیر الملوک» تألیف خواجه نظام الملک اشاره کرد. موضوع ارتباط علما با دستگاه حکومتی در میان شیعیان به صورت جدی تری مطرح می‌گردد که در سطور قبل به دلایل آن اشاره شد.

### پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۳،

پاییز ۱۳۹۹

۸۳

برخی خلفای عباسی، در رفتارشان تسامح بیشتری نسبت به شیعیان داشتند و علمای شیعه در این ادوار به پست‌های حکومتی دست می‌یافتند. در روزگار مستنصر که از جمله خلفای شیعه دوست به شمار می‌رود، به سید بن طاووس پیشنهاد وزارت یا قبول بعضی از مناصب دیگر چون افتاء شد. سید بن طاووس با این ادعا که حکومت غاصب است، از پذیرفتن پیشنهاد سر باز زد، ولی خلیفه بر خواسته‌اش اصرار داشت، سید با رد پیشنهاد وی و بیان نوع حکومت و اندیشه علوی و وجود حسودان دربار گفت: «بی‌تردید در این کار، نوعی انتقاد و سرزنش بر پدران است که خلفای پیشین بودند، نهفته است. با این کار، تو ناگزیر کمر به هلاکت خواهی بست و مرا به بهانه‌های واهی هلاک خواهی ساخت. اگر قرار است فرجام کارم به سبب اتهامی ساختگی به هلاکت انجامد، پس اکنون که در پیشگاهت حضور دارم، پیش از آنکه در ظاهر گناهی مرتکب شوم، هر چه می‌خواهی انجام ده، تو پادشاهی توانمندی و قدرت داری (سید بن طاووس، کشف المحجّة لثمرّة المهجّة، ۱۳۱).

درواقع، شیوه سید بن طاووس در برابر قدرت سیاسی، نمونه‌ای یکتا از نوع خود است که بر موضع فقیهان بعدی در برابر دولت و قدرت سیاسی اثر گذاشته است. اهمیت بررسی حالت ابن طاووس و دیدگاه وی، از آنجا به دست می‌آید که بدانیم او پانزده سال را در بغداد و در این دوره، گذرانده است. او، دارای دیدگاه‌های معین و مقید درباره رابطه با دولت و کار با آن بوده است. سید بن طاووس در کتاب سعدالسعود، که در سال ۶۵۱ و یازده سال پس از وفات مستنصر، نگارش کرده بود، از اینکه بسیار مورد اکرام خلیفه بوده، یاد می‌کند (امین، ۳۵۹/۸)؛ با این حال، برخلاف دعا برای خلیفه مستنصر، او را غاصب

می‌داند. روزی به یکی از وزیران خلیفه نوشت: «چگونه برای برطرف کردن نیازهای خود و دیگر نیازمندان، با تو نامه‌نگاری کنم؛ در حالی که از سوی خداوند تکلیف دارم که از زنده ماندن تو ناراحت باشم و تو را از مقامت برکنار سازم (سید بن طاووس، کشف‌المحجّة لثمرّة‌المهجّة، ۱۴۴).

سید بن طاووس برای فرار از غضب و خشم صاحب منصبان حکومتی، از استخاره بهره می‌جست. در واقع، استخاره به مثابه ابزاری بود که ابن طاووس در موضع‌گیری‌های سیاسی، به کار می‌گرفت. چنان‌که در کتاب خود به نام الاستخارات، از ۲۲ روز استخاره پی‌درپی خود برای دیدار یکی از صاحب منصبان دولتی گزارش می‌دهد. در موردی دیگر، از انجام پنجاه استخاره در شهر حلّه برای دیدار با یکی از والیان سخن گفته‌است که همه استخاره‌ها منفی بوده‌اند. آن‌گاه در پایان یادآور می‌شود: «با وجود پنجاه استخاره منفی، آیا تردیدی برای من باقی می‌ماند. این به طور حتم از سوی خداوند است که مصلحت مرا می‌خواهد و آیا عقل آدمی می‌پذیرد که پنجاه استخاره به طور اتفاقی منفی درآیند؟» (سید بن طاووس، فتح‌الابواب، ۲۳۳-۲۳۴). او در مورد رابطه با خلیفه، حتی استخاره را نیز جایز نمی‌شمرد و باتوجه به این که خلافت را غاصب می‌دانست، در نامه‌ای به یکی از خلفا چنین نوشت که:

«آنچه در آغاز مرا وادار به دیدار با امیران می‌کرد، تکیه بر استخاره بود؛ اما اکنون با هدایت الهی فهمیدم که استخاره در این مورد، دور از صواب است» (سید بن طاووس، کشف‌المحجّة لثمرّة‌المهجّة، ۱۳۱).

سید بن طاووس، به‌عنوان دانشمند حله از همنشینان با فرمانروایان می‌گریخت و این مورد را به دیگر علما نیز توصیه می‌کرد. روزی یکی از فقیهان روزگار، به او گفت: امامان ما در محفل خلفا شرکت جسته، با آن‌ها آمیزش داشتند؛ پس ورود ما به مجلس آنان نیز نمی‌تواند زیان‌آور باشد. سید پاسخ داد: پیشوایان ما در محفل آنان حضور می‌یافتند درحالی‌که قلبشان از شهوت‌رانان حاکم رویگردان بود؛ ولی تو آیا خود را چنین می‌دانی؟ به‌ویژه هنگامی که نیابت را برآورده می‌سازند و تو را از نزدیکان خویش قرار می‌دهند و

نیکی درباره‌ات روا می‌دارند. آیا می‌توانی دل از دوستی آنان تهی کنی؟ فقیه گفت: نه، درست می‌گویی، حضور ناتوانان نزد توانگران، هرگز مانند حضور اهل کمال نیست (سید بن طاووس، فتح‌الابواب، ۱۲۲-۱۲۳).

با این حال در عصر حکومت ایلخانان مغول و بنا بر ضرورت جامعه، سید بن طاووس پذیرفت که در مسائل سیاسی ورود پیدا کند (خوانساری، ۳۶۳/۴). وی در مورد ایلخانان مغول، تا حدودی از دیدگاه منفی خود درباره سلطه سیاسی برگشته و دیدگاه مثبتی را پذیرفت و در این زمینه با پذیرش نقابت شیعیان، پرچم سبز علویان را که جانشین پرچم سیاه عباسیان شده بود، بردست گرفت (قمی، ۳۴۰/۱). به نظر می‌رسد، عاملی که سبب شد سید بن طاووس بر خلاف نظرات قبلی خود در مورد عباسیان، ایلخانان را قبول داشته باشد، روایات موجود در کتاب‌های ملاحم باشد. بر طبق این روایات آمده است که امام صادق علیه السلام فرموده است:

«امت محمد صلی الله علیه و آله مادامی که فرزندان عباس در کار حکومت باشند، فرجی نمی‌یابد، مگر این که ایشان نابود شوند؛ پس چون حکومت ایشان نابود گردید، خداوند به امت محمد مردی از ما اهل بیت را خواهد بخشید که به تقوا، انگشت‌نشان است و به هدایت، رفتار می‌کند و در حکومت خود، رشوه نمی‌گیرد و سوگند به خدا که من او را به نام و نام پدرش می‌شناسم. تا این که سپاهیان کوتاه قد و... خواهند آمد که به عدل قیام می‌کند و...»

سید گوید:

من که خود شاهد از هم گسستگی سلسله بنی‌عباس بودم، ندیدم و نشنیدم که مردی از اهل بیت با ویژگی‌هایی که در روایت بالا اشاره شد وجود داشته باشد، جز خود من که دارای این ویژگی‌ها هستم، به فضل خداوندی و فهمیدم که این بشارت است (سید بن طاووس، اقبال‌الاعمال، ۵۹۸-۶۰۰).

فضای باز سیاسی و مذهبی ایجاد شده پس از خلافت عباسی، سبب شد که فقهایي که بعد از دوره خلافت عباسی می‌زیستند، با حضور در دربار سلاطین و شاهان،

فعالیت‌های مذهبی خود را در پیش بگیرند. علامه حلی که عصر حیات وی حلقه میانی ابن طاووس و ابن فهد است، از جمله علمایی است که به لحاظ فکری، در موضوع همکاری با حاکمان از حضور در دربار شاهان امتناع نمی‌کرد. وی بدین شیوه به تبلیغ تشیع می‌پرداخت تا جایی که توانست سلطان ایلخانی را به مذهب شیعه درآورد (القاشانی، تاریخ الجایتو، ۱۰۰-۱۰۸).

از آنجا که ابن فهد حلی، حدود دو قرن پس از سید بن طاووس می‌زیست، و در زمان حیات وی، دیگر نه از حکومت عباسی خبری بود و نه ایلخانان مغول و از طرفی حکومت‌های ملوک‌الطوایفی در جای‌جای سرزمین‌های اسلامی به حکومت‌های محلی می‌رسیدند و موضوع خلافت چندان مطرح نبود، لذا در این دوره مسائلی که به‌طور عمده ذهن اندیشمندان شیعه در کانون‌های مختلف را به خود جلب می‌کرد، موضوع ولایت فقیه، مسائل مربوط به امر به معروف و نهی از منکر، خمس، برگزاری نماز جمعه و امثالهم بود.

به‌طور کلی در این دوره، مهم‌ترین اندیشه سیاسی که در میان آراء ابن فهد به چشم می‌خورد، دیدگاه او در مورد ولایت فقیه است. در واقع در عصر حیات ابن فهد، شرایط برای شیعیان بهتر شده بود و لذا علمایی چون ابن فهد به بحث‌های مثبتی در زمینه ولایت فقیه پرداخته و در زمینه اختیارات فقیه به ارائه دیدگاه‌های نظری خود می‌پرداختند. عبدالله جوادی آملی، از علمای معاصر شیعه در مقایسه شخصیت علمی سید بن طاووس و ابن فهد حلی، آنان را بعد از مقام ائمه علیهم‌السلام، علمای طراز اول معرفی می‌کند و معتقد است این علماء، در صف مقدم دیگر علمای اسلام هستند (ابن فهد حلی، مقدمه، ص ۷).

### طرح موضوع اختیارات فقیه

از پیشگامان طرح موضوع نیابت فقیه از امام معصوم علیه‌السلام، شیخ مفید است که در این مورد معتقد بود:

«هنگامی که سلطان عادل برای عهده‌داری در آنچه ذکر کردم - در این ابواب

### پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۳،

پاییز ۱۳۹۹

- وجود نداشت، برای فقهای اهل حق عادل صاحب رأی، عقل و فضل است که آنچه بر عهده سلطان عادل است، بر عهده گیرند» (شیخ مفید، ۶۷۵).  
شیخ مفید در جای دیگری از کتاب المقنعه در خصوص اختیارات فقیه در این معنی می نویسد:

«اجرای حدود شرعی، به عهده حاکم اسلامی منصوب از طرف خداست... و این حق در صورت امکان اجرا، به نحوی که خوف رسیدن ضرر به فقیه از اجرای حکم بر فرزند یا عبد نباشد، ائمه علیهم السلام، به فقهای شیعه واگذار کرده اند... بر پایی نماز جماعت در نمازهای پنج گانه، اقامه نماز اعیاد، استسقا و نماز آیات بر عهده فقهاست. حکم به حق (در صورت وجود بینة) و اصلاح اختلافات مردم در صورت نبود بینة، از اختیارات فقهای شیعه است» (شیخ مفید، ۸۱۱).

پس از شیخ مفید، سید مرتضی نیز در همین زمینه آراء قابل توجهی دارد که بعدها بن مایه نظرات سید بن طاووس قرار گرفت. سید مرتضی در خصوص پذیرش مسئولیت در دستگاه جور می نویسد:

«موارد وجوب پذیرش مسئولیت، زمانی است که پذیرنده مسئولیت بداند یا به نشانه های آشکار گمان غالب ببرد که پذیرش مسئولیت می تواند حق را برپا کند و باطل را کنار بزند» (شریف مرتضی، ۹۰/۲).

در خصوص دیدگاه های شیخ مفید و پس از وی سید مرتضی در موضوع اختیارات فقیه باید گفت که در دوره حیات این دو اندیشمند شیعی، بحث ولایت فقیه از باب اولی به نفس بودن فقیه مطرح نبوده است؛ بلکه آنان به اختیارات فقیه با عنوان فقیه، تاکید و توجه داشته اند. در دوره صفویه، اصطلاح نایب الامام رایج شد و عالمان این دوره، حدود اختیارات فقیه را از حیث اینکه از امام نیابت دارد، مورد بحث قرار می دادند. به نظر می رسد که برای نخستین بار در زمان ملا احمد نراقی بود که بحث اختیارات فقیه از باب ولایت فقیه آن چنان که امروزه از آن فهم می شود، مطرح گردیده است (نراقی، ۵۳۶).

سید بن طاووس با توجه به شرایط زمانه اش، همواره خود را از پرداختن به موضوعات فقهی و صدور احکام دور می‌کرد و نظراتی در این باره ارائه نمی‌داد. وی معتقد بود که نمی‌خواهد فتوا بدهد؛ از آن روی که می‌ترسد فتوا مبنایی نداشته و به هوای ریاست خواهی باشد. او می‌گفت: از فقه احتراز کرده و تنها یک کتاب، یعنی غیث سلطان‌الوری، درباره مسائل فقهی نوشته است. در واقع سید یک رساله فقهی دیگر هم با عنوان الموسوعة والمضایقة نوشت. در این جا هم هدف خود را این چنین توصیف کرده که تنها احادیث مربوطه را آورده تا محققان، خودشان از این احادیث استفاده و استنباط کنند. این مطلب، تصادفی نیست که دو تألیف فقهی وی به موضوع نماز مربوط می‌باشد که به قلب او نزدیک بود (کلبرگ، ۴۵-۴۰/۱).

## پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۳،  
پاییز ۱۳۹۹

۸۸

سید بن طاووس در خصوص امر به معروف و نهی از منکر، معتقد بود که لازم است در قلب وجود داشته باشد؛ چراکه در نظر و عقیده وی، سخن گفتن از بی‌عدالتی‌های زمان، سبب ایجاد دشمنی می‌گردد (سید بن طاووس، کشف المحجّة، ۱۰۲/۱). ابن فهد حلی، که او نیز تربیت یافته مدرسه کلامی حله و متعلق به قرن نهم است، آرائی شبیه به سید مرتضی و سلف او شیخ مفید داشته و در مورد امر به معروف و نهی از منکر چنین بیان می‌نماید که:

«برای امر به معروف و نهی از منکر مراتبی است. پایین‌ترین مرتبه، اعتقاد به وجوب عمل متروک و حرام دانستن عمل مفضول (بد و ناپسند) است. سپس اظهار کراهت و بعد از آن رها کردن و روی گرداندن، به گونه‌ای که از ارتکاب آن عمل شاد نباشد. سپس منع از آن با دست، در صورت بی‌اثر بودن مرتبه مادون، نوبت به مرتبه بالاتر نمی‌رسد. در صورتی که اجرای امر به معروف و نهی از منکر منجر به حد شود. اجرای حد، مشروط به اذن امام علیه السلام است. اگر اجرای حد در زمان غیبت باشد، حاکم اسلامی و فقیه به نیابت از معصوم علیه السلام، حق اجرای حدود را دارد و مردم هم باید فقیه را یاری کنند» (ابن فهد حلی، نسخه خطی کتابخانه آیت‌الله مرعشی، ۱، ۵۶، ۶۸، ۳۶۱۲، ۳۷۳۳).



این فهد در این دیدگاه، به نیابت فقیه از امام معصوم علیه السلام در عصر غیبت تصریح نموده و معتقد است: در صورتی که لازمه اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر در مراحل اجرای حد یا قتل باشد، وجوب این فریضه مشروط به اذن امام در عصر حضور و اذن فقیه جامع الشرایط در عصر غیبت است. نکته قابل دقت در فتوای وی این است که فقیه از آن جهت که در عصر غیبت نایب امام است، چنین حقی را داراست. دیدگاه ابن فهد از این جهت که معتقد است این فریضه در زمان حضور امام معصوم قابل اجراست، با دیدگاه ابن طاووس که امر به معروف و نهی از منکر را فقط در قلب اجرایی می‌داند، همسو به نظر می‌رسد.

### پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۳،

پاییز ۱۳۹۹

۸۹

از دیگر مسائل مطروحه در این زمان بحث پرداخت خمس بوده است؛ لذا ابن فهد با طرح وجوب اصل خمس در زمان امام معصوم علیه السلام چنین بیان می‌دارد که: پرداخت خمس در زمان غیبت، واجب است. حال اگر حاکم وقت شخصی جائز باشد، مکلف در حفظ آن با دقت و غیره... یا پرداخت آن به فقیه جامع الشرایط مخیر است؛ زیرا که فقیه، مأمون از خطا و نایب از امام است و مثل امام خمس را مصرف می‌کند؛ بنابراین:

«نَعْمَ يَجُوزُ تَفْرِيقُ مَنْ نَصَبَهُ نَائِبُ الْإِمَامِ مَعَ حُضُورِهِ وَ غَيْبَتِهِ وَ لَوْ نَصَبَ فُقَيْهُ جَامِعِ الشَّرَائِطِ لِذَلِكَ عَدْلًا جَازًا وَ هُوَ نَائِبٌ عَنْهُ لَا عَنْ الْإِمَامِ» (ابن فهد حلی، نسخه خطی کتابخانه آیت الله مرعشی ۴۰۷۹).

در جای دیگر اشاره می‌کند که در صورت غیاب امام، فقیه می‌تواند به نیابت از امام معصوم علیه السلام، نماینده‌هایی را برای دریافت خمس مشخص نماید (ابن فهد حلی، نسخه خطی کتابخانه آیت الله مرعشی ۴۰۷۹).

برگزاری نماز جمعه در زمان غیبت کبری، یکی دیگر از موضوعات مهمی بود که ابن فهد در مورد آن نظراتی دارد. در بیان ابن فهد، فقها از موقعیتی برخوردارند که می‌توانند مردم را به اجتماعاتی چون نماز جمعه و نماز عیدین فراخوانند و این نظر برگرفته از تفویض این اختیارات و شؤون، از سوی ائمه علیهم السلام به آنان است. حقیقتی که شالوده فقه سیاسی ابن فهد را تشکیل می‌دهد. وی در بحث نماز جمعه، یادآور می‌شود که نماز

جمعه واجب تعیینی است چراکه خودش نمازی مستقل است و در زمان غیبت، فقیه مأمون، از باب نیابت از امام علیه السلام باید به اقامه آن مبادرت ورزد (ابن فهد حلی، نسخه خطی کتابخانه آیت الله مرعشی ۴۰۷۹).

### نتیجه

مدرسه حله که تقریباً هم‌زمان با روی کار آمدن بنی‌مزید و ساخت شهر حله آغاز به کار کرد، به سرعت تبدیل به کانونی برای متکلمان شیعه شد که میراث مدارس کلامی در شهرهای بغداد، قم و ری را بدان انتقال دادند. این مدرسه در طی چندین قرن با قوت پابرجا بود و اندیشمندان بسیاری در آن ظهور یافته و بالیدند. دو جریان اصلی کلامی و جریان حدیثی-کلامی، در میان متکلمان این مدرسه رایج بود که اولی با تکیه بر عقل و استفاده از اصطلاحات فنی منطق و فلسفه و دومی با تکیه بر نص، به کار علمی خود می‌پرداختند. از میان اندیشمندان جریان حدیثی-کلامی، سید بن طاووس و ابن فهد حلی، دو تن از متکلمینی هستند که اگرچه در یک جریان کلامی قرار می‌گیرند، اما در روش کار و نظریات و اندیشه‌های سیاسی آن‌ها تفاوت‌هایی دیده می‌شود. به همین دلیل است که در میان نظریات ابن طاووس، حکم فقهی - سیاسی در خصوص موضوعاتی نظیر امر به معروف و نهی از منکر، نماز جمعه یا خمس و امثالهم دیده نمی‌شود و بیشتر موضوعاتی که این عالم بدان پرداخته، مواردی در حوزه عبادیات مانند نماز، ادعیه و ... است. اما در خصوص ابن فهد چنین بوده که اگرچه وی همچون سید بن طاووس یک متکلم متن‌گرا بوده، اما در آثار و نظریاتش با اشاره به موضوع ولایت فقیه، سعی داشته است با صدور احکامی که اشاره گردید، برخی مشکلات شیعیان در عصر غیبت کبری را برطرف نماید. بدین ترتیب تفاوت میان دیدگاه‌های سید بن طاووس و ابن فهد حلی، ناشی از شرایط زمانی عصر حیات آنان است. خلافت عباسیان و در اقلیت بودن شیعیان در عصر سید بن طاووس، سبب گردید که این اندیشمند شیعه، تا حد ممکن از ورود به دستگاه سیاسی خودداری کرده و تنها در زمان مغول و برچیده شدن خلافت

عباسی، اندکی از مواضع خود عقب نشینی نماید؛ اما در دوره زندگی ابن فهد که شاهد بهتر شدن وضعیت تشیع هستیم، مجدداً اندیشه‌هایی راجع به دایره اختیارات فقیه در مدرسه کلامی حله، حتی میان متکلمانی که متن‌گرا بودند نیز مطرح شد و ابن فهد حلی نیز در این موضوع دیدگاه‌هایی را ارائه داد.

### پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۳،

پاییز ۱۳۹۹

## منابع

- ابن ابی جمهور، محمد، عوالی اللثالی العزیزیه، به کوشش مجتبی عراقی، قم، ۱۹۸۳ م.
- ابن فهد حلّی، احمد، اللمعة الجلیة فی معرفة النیة، نسخه خطی، کتابخانه مرحوم آیت الله مرعشی رحمته الله شماره ۱، ۵۶، ۶۸، ۳۶۱۲، ۳۷۳۳.
- \_\_\_\_\_، مصباح المبتدی و هداية المقتدی، نسخه خطی، کتابخانه آیت اله مرعشی، شماره ۴۰۷۹.
- \_\_\_\_\_، المهدب البارع فی شرح المختصر النافع، به کوشش مجتبی عراقی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ۱۹۸۷ م.
- افندی اصفهانی، عبدالله بن عیسی، تعلیقة امل الآمل، قم، چاپ کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۱۰.
- \_\_\_\_\_، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، چاپ احمد حسینی، قم، ۱۴۰۱.
- امین عاملی، سید محسن، اعیان الشیعه، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۲۱.
- جعفریان، رسول، رویارویی فقیهان و صوفیان در عصر صفویان، کیهان اندیشه، شماره ۳۳، ۱۳۶۹ ش.
- حر عاملی، أمل الآمل، مکتبه الأندلس، بغداد، نجف اشرف، ۱۳۸۵ ش.
- حلّی، یوسف کرکوش، تاریخ النحلة، چاپ اول، نجف، منشورات المکتبه الحیدریه، ۱۳۴۴ ش.
- خوانساری، محمدباقر، روضات الجنات فی أحوال العلماء و السادات، تحقیق اسدالله اسماعیلیان، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۹۰ ش.
- سبحانی، جعفر، موسوعة طبقات الفقهاء، قم، مؤسسه الامام الصادق، ۱۴۱۸-۱۴۲۴.
- سید بن طاووس، علی، اقبال الاعمال، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۸.
- \_\_\_\_\_، فتح الابواب، تحقیق: حامد خفاف، قم، آل البيت، ۱۴۰۹.
- \_\_\_\_\_، فرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم، قم، دارالذخائر، ۱۳۶۸ ش.
- \_\_\_\_\_، كشف المحجة لثمره المهجة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۷.
- الشریف المرتضی، رسائل الشریف المرتضی، تقدیم و اشراف السید احمد الحسینی، قم، دار القرآن الکریم، ۱۴۰۵.
- شوشتری، قاضی نورالله، مجالس المؤمنین، تهران، ۱۳۶۵ ش.

## پژوهش نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۳،

پاییز ۱۳۹۹

- شیخ مفید، محمد بن محمد بن النعمان البغدادی، المقنعة، بیروت، دارالمفید، ۱۴۱۴.
- القاشانی، تاریخ الجایتو، به اهتمام مہین ہمبلی، تہران، بنگاہ ترجمہ و نشر کتاب، ۱۳۴۸ ش.
- طالقانی، سید حسن، مدرسہ کلامی قم، فصلنامہ علمی پژوهشی نقد و نظر فلسفہ و الہیات، سال ہفدہم، شمارہ اول، ۱۳۹۱ ش.
- عبدالحمید، معجم مورخی الشیعہ، قم، موسسہ دائرہ المعارف فقہ اسلامی، ۱۴۲۴.
- عبیری، عباس، علی بن یقظین آفتاب نقیہ، قم، انتشارات دارالحدیث، ۱۳۷۵ ش.
- قمی، عباس، الکنی و الألقاب، نجف، نشر حیدریہ، ۱۳۸۹ ش.
- کلبرگ، اتان، کتابخانہ ابن طاووس، ترجمہ علی قرایی و رسول جعفریان، قم، کتابخانہ آیت اللہ العظمیٰ مرعشی نجفی، ۱۳۷۱ ش.
- کمونہ حسینی، عبدالرزاق، موارد الإتحاف فی نقباء الأشراف، نجف، نشر الآداب، ۱۳۸۸ ش.
- گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقہ و فقہا، تہران، مؤسسہ سمت، ۱۴۲۱.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.
- مصباح یزدی، محمد تقی، در جستجوی عرفان اسلامی، تدوین و نگارش محمد مہدی نادری قمی، تہران، موسسہ آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۰ ش.
- موسوی، سید جمال الدین، مدرسہ کلامی ری، فصلنامہ علمی پژوهشی نقد و نظر فلسفہ و الہیات، سال بیستم، شمارہ اول، ۱۳۹۴ ش.
- نراقی، ملا احمد بن محمد، عوائد الایام، قم، بوستان کتاب قم، ۱۳۷۵ ش.
- نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسہ آل البیت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸.
- یاقوت حموی، معجم البلدان، چاپ یکم، بیروت، دارصادر، بی تا.

## پژوہش نامہ تاریخ تشیع

سال چہارم، شمارہ ۳،

پاییز ۱۳۹۹

